

**[A Persian translation of the Riqvân 2012 message of the Universal House of Justice
to the Bahá'ís of the world]**

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان

رضوان ۲۰۱۲ میلادی (۱۶۹ بدیع)

(از: مرکز جهانی بهائی)

ستاینندگان اسم اعظم در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

صد سال پیش در بعد از ظهر روز یازدهم عید اعظم رضوان حضرت عبدالبهاء در حالی که جمعیتی چند صد نفری در حضور مبارک ایستاده بودند اولین کلنگ بنای مشرق‌الاذکار را در گروس پوینت (Grosse Pointe) واقع در شمال شیکاگو (Chicago) بر زمین زدند. نفوسی که برای شرکت در این مراسم شکوه‌مند در آن روز بهاری دعوت شده بودند از پیشینه‌های مختلف از جمله نروژی، فرانسوی، هندی، ژاپنی، ایرانی و آمریکایی بومی بودند. گویی معبدی که هنوز ساخته نشده بود منویات مرکز میثاق را تحقق می‌بخشید چه که در شام‌گاه قبل از این مراسم در باره مشرق‌الاذکار فرموده بودند: "تا نوع بشر مکانی جهت اجتماع داشته باشد" و "اعلان وحدت عالم انسانی از صحن مقدس آن بلند شود."

مستمعین آن حضرت در این مراسم و تمام کسانی که در طول سفرهای ایشان به مصر و ممالک غرب خطابات مبارک را استماع می‌کردند یقیناً مفاهیم گسترده این بیانات را برای اجتماع و ارزش‌ها و مشاغل ذهنی آن به خوبی درک نمی‌کردند. حتی امروز چه کسی می‌تواند ادعا کند که قادر است از اجتماع آینده‌ای که مقدر است در ظلّ این ظهور اعظم جلوه نماید جز تصویری مبهم چیزی در ذهن خود مجسم نماید؟ احدی نباید تصور کند که مدنیّتی که تعالیم الهی نوع بشر را به سوی آن پیش می‌برد صرفاً با تعدیلاتی در نظم کنونی عالم به وجود خواهد آمد. این تصوّر بسی دور از حقیقت است. حضرت عبدالبهاء در خطابه‌ای که چند روز پس از استقرار سنگ زاویه امّ المعابد غرب ایراد نمودند فرمودند که "از جمله نتایج ظهور قوای روحانی آنست که عالم انسانی ترکیب اجتماعی جدیدی به خود خواهد گرفت" و "عدل الهی در جمیع امور بشری ظاهر خواهد شد." این کلمات و دیگر بیانات بی‌شمار مرکز میثاق که در این دوره بزرگداشت صدمین سال اسفار تاریخی آن حضرت مکرراً مورد مطالعه و مداقه جامعه بهائی قرار می‌گیرد سبب افزایش آگاهی نسبت به تفاوت فاحشی است که بین اجتماع امروز و دیدگاه شگفت‌انگیزی که حضرت بهاءالله به عالم عطا فرموده‌اند وجود دارد.

با وجود مساعی قابل تحسین افراد خیراندیشی که در سراسر عالم در جهت اصلاح وضع اجتماع فعالیت می‌کنند، متأسفانه در افکار بسیاری از مردم، موانعی بر طرف نشدنی راه تحقق چنین دیدگاهی را سدّ می‌کند.

آمال این قبیل افراد در اثر فرضیات غلط در باره ماهیت انسان در هم می‌شکنند، فرضیاتی که چنان در ساختار و سنن قسمت عظیمی از زندگی کنونی بشر رسوخ کرده که به صورت حقایقی معتبر در آمده است. چنین به نظر می‌رسد که این فرضیات منابع خارق‌العاده قوای مکنونه روحانی‌های را که در دسترس نفوس مشتعل به نار محبت الله قرار دارد نادیده می‌گیرد و در عوض برای توجیه فرضیات خود بر قصور بشر که هر روز نمونه‌های آن حسّ نویدی عمومی را تشدید می‌نماید اتکا می‌کند. بدین ترتیب حجاب ضخیمی از فرضیات نادرست این حقیقت بنیادین را می‌پوشاند که اوضاع جهان تحریفی از روح بشر را منعکس می‌سازد و نه ماهیت اصلی آن را. مقصد هر یک از مظاهر مقدسه الهی تقلیب نوع بشر هم در حیات باطنی و هم در شئون ظاهری است. با فعالیت گروه فزاینده‌ای از مردم که بر اساس تعالیم الهی متحد گشته و جمعاً می‌کوشند تا استعداد های روحانی را برای کمک به یک فرایند تحوّل اجتماعی توسعه دهند، این تقلیب به طور طبیعی حاصل می‌شود. تئوری‌های متداول عصر حاضر همانند زمین سختی که یک قرن پیش مرکز میثاق بر آن کلنگ زدند، ممکن است در ابتدا تغییرناپذیر به نظر برسد اما بدون شک به تدریج زائل شده و "از زمین دل بیاری باری ژاله بخشش لاله دانش بروید."

الحمد لله که شما اعضای جامعه اسم اعظمش به مدد قوه کلام الهی دست اندر کار ایجاد محیطی هستید که در آن ادراک حقیقی می‌تواند شکوفا شود. حتی نفوس پاکی که در راه امر مبارک سختی زندان را تحمل می‌نمایند با فداکاری و استقامت غیر قابل وصف خود موجب می‌شوند که "سنبالات علم و حکمت" در قلوب مستعدّه شکوفا گردد. نفوس مشتاق در سراسر عالم با اجرای سیستماتیک مفاد و مندرجات نقشه پنج‌ساله، به کار ساختن جهانی نو مشغولند. خصوصیات نقشه آن‌چنان به خوبی درک گردیده که در این مقال نیازی به شرح بیشتر آن نیست. با تضرّع و ابتهال از آستان خداوند متعال رجا می‌نماییم که جنود ملاء اعلی در راه پیشرفت نقشه هر یک از شما عزیزان را یار و یاور باشد. امید و طید این جمع که با مشاهده مجهودات سال گذشته شما قوت بیشتری گرفته آن است که با عزمی جزم و اطمینانی کامل دانشی را که از راه تجربه کسب می‌کنید بیش از پیش به کار بندید. وقت وقت آسایش و فراغت نیست. هنوز افواج بی‌شماری از مردم از طلوع صبح هدی بی‌خبرند. چه کسی به جز شما عزیزان می‌تواند حامل پیام الهی باشد؟ حضرت بهاءالله می‌فرمایند که این امر اعظم عرصه بینش روحانی و انقطاع از عالم مادی است و میدان مشاهده و ادراک و تعالی. جز فارسان حضرت رحمان و سالکان طریق ایمان و منقطعین از عالم امکان، نفسی را در آن مجال جولان نبوده و نیست.

مشاهده عالم بهائی در حالی که به انجام وظایف خویش مشغول می‌باشد چشم‌اندازی بس روشن است. در حیات افراد مؤمنی که بیشتر از هر چیز آرزومندند دیگران را به عبادت پروردگار بی‌نیاز و خدمت به عالم انسانی فراخوانند نشانه‌های تقلیبی روحانی را می‌توان یافت که ربّ مجید برای هر نفسی اراده فرموده است. در روحیه‌ای که مشوّق و محرک فعالیت‌های هر جامعه بهائی است — جوامعی که هم خود را وقف افزایش توانمندی اعضای خود از پیر و جوان و نیز دوستان و هم‌کاران خود برای خدمت به مصالح عمومی می‌نمایند — می‌توان بینشی از چگونگی بسط و توسعه یک اجتماع یافت که بر اساس تعالیم الهی پایه‌ریزی شده است. و در آن محدوده‌های جغرافیایی پیشرفته‌ای که فعالیت در چارچوب نقشه افزایش یافته و نیاز به ایجاد انسجام در بین خطوط عمل کاملاً

احساس می‌شود، بسط ساختارهای اداری نمایانگر بارقه‌ای است از اینکه چطور مؤسسات امری به تدریج مسئولیت‌های بیشتر و جامع‌تر خود را در جهت ترویج رفاه و پیشرفت بشریت به عهده خواهند گرفت. بنا بر این واضح است که بلوغ و تکامل فرد، جامعه و مؤسسات بسیار امیدبخش است ولی فراتر از این، با نهایت سرور شاهد آن هستیم که روابطی که این سه را به هم پیوند می‌دهد سرشار از محبت و حمایت متقابل است.

ولی روابط بین سه همتای این بازیگران در جهان — یعنی شهروندان، هیئت اجتماع، و نهادهای اجتماع — بالعکس نمایانگر نزاع و نفاقی است که از خصوصیات مرحلهٔ تلاطم انتقال و تحوّل می‌باشد. این سه بازیگر که مایل نیستند به مثابهٔ اجزای وابستهٔ یک کلیت ارگانیک عمل نمایند، در چنگ تلاشی بیهوده و بی‌ثمر برای کسب قدرت اسیرند. چقدر متفاوت است اجتماعی که حضرت عبدالبهاء در الواح و خطابات بی‌شمار خود ترسیم فرموده‌اند، اجتماعی که در آن جمیع روابط، از تعاملات روزانه گرفته تا مناسبات میان کشورها، بر اساس آگاهی از وحدت نوع انسان استوار است. هم‌اکنون بهائیان و دوستان‌شان در دهکده‌ها و محله‌ها در سراسر جهان به ایجاد و ترویج روابطی قائمند که مشحون از این آگاهی است و روایح جان‌بخش هم‌کاری و الفت و محبت از آن به مشام می‌رسد. در چنین فضای بی‌تکلف و بی‌ادعایی، به جای کشمکش‌ها و درگیری‌های رایج در اجتماع، گزینه‌ای مشهود در حال ظهور و بروز است. بدین ترتیب آشکار می‌گردد که فردی که مایل است به نحوی مسئولانه به ابراز عقاید شخصی خود پردازد در مشورت‌هایی که هدف آن ترویج خیر عمومی است متفکرانه شرکت می‌کند و از وسوسهٔ اصرار بر عقاید شخصی دوری می‌جوید. مؤسسات بهائی با آگاهی از ضرورت اقدام هماهنگ برای حصول نتایج سودمند، هم خود را صرف تربیت و تشویق می‌کنند نه کنترل و سلطه‌جویی. جامعه‌ای که مایل است مسئولیت ترقی و پیشرفت خود را در دست گیرد اتحاد حاصله از مشارکت صمیمانه در اجرای نقشه‌های مؤسسات را سرمایه‌ای ارزشمند به شمار می‌آورد. تحت تأثیر ظهور حضرت بهاءالله، روابط بین این سه عامل، حیاتی تازه و صمیمیتی بی‌اندازه می‌یابد. این روابط در مجموع محیطی را به وجود می‌آورند که در آن به تدریج یک مدنیت روحانی جهانی که جلوه‌گاه الهامات الهی است شکوفا می‌گردد.

چنین مقدّر است که انوار این ظهور اعظم کلیهٔ میادین تلاش بشری را منور سازد. در هر یک از این میادین، روابطی که سبب بقا و دوام اجتماع است باید از نو طرح‌ریزی گردد و در هر یک، جهان در جستجوی نمونه‌هایی از چگونگی رفتار انسان‌ها نسبت به یکدیگر می‌باشد. به جاست که در این مقال حیات اقتصادی نوع بشر را ملاحظه فرمایید که سهم آشکاری در ایجاد اضطراب و انقلاباتی دارد که اخیراً مردم بسیاری را گرفتار نموده است، اقتصادی که در آن بی‌عدالتی با بی‌تفاوتی اغماض می‌گردد و کسب منافع بی‌حد و حصر محک موفقیت شناخته می‌شود. ریشهٔ این طرز فکر زیان‌بار آن‌چنان عمیق و محکم است که نمی‌توان تصور نمود که احدی بتواند به تنهایی معیارهای متداولی را که بر روابط موجود در این عرصه حکم فرماست تغییر دهد. با این حال، سلوک و روش‌هایی وجود دارد که یک فرد بهائی در هر حال از آن اجتناب می‌ورزد مانند تقلّب و عدم صداقت در معاملات و یا استثمار اقتصادی دیگران. پیروی تام از نصایح الهی مستلزم آن است که در زندگی یک فرد بهائی هیچ تناقضی بین رفتار و کردار اقتصادی و معتقداتش وجود نداشته باشد. با به کار بردن اصول بهائی مربوط به عدالت

و انصاف در زندگی شخصی، یک فرد به تنهایی می‌تواند موازینی را رعایت و حمایت نماید که به مراتب بالاتر از معیارهایی است که جهان خود را با آن می‌سنجد. نوع بشر از فقدان الگویی از زندگی که بتواند از آن الهام بگیرد به ستوه آمده است. چشم امید ما به شما عزیزان است تا جوامعی پرورش دهید که روش و سلوک‌شان امیدبخش جهان و جهانیان گردد.

در پیام رضوان سال ۲۰۰۱ اشاره نمودیم که در کشورهای که فرایند دخول افواج به حدّ کافی پیشرفت کرده و شرایط جوامع ملّی مساعد باشد، تأسیس مشرق‌الاذکار ملّی را تصویب خواهیم نمود و شروع این کاریکی از ویژگی‌های عهد پنجم عصر تکوین امر بهائی خواهد بود. اکنون با شعفی بی‌پایان اعلان می‌داریم که مقرر است دو مشرق‌الاذکار ملّی یکی در کشور جمهوری دموکراتیک کنگو (Democratic Republic of the Congo) و دیگری در پاپوا گینه نو (Papua New Guinea) بنا شود. در این دو کشور ملاک‌هایی که تعیین نمودیم به نحوی آشکار تحقّق یافته و پاسخ مردم به امکاناتی که سلسله نقشه‌های کنونی به وجود آورده خارق‌العاده بوده است. با پیشرفت ساختمان آخرین مشرق‌الاذکار قاره‌ای در سانتیاگو (Santiago)، شروع پروژه‌هایی برای تأسیس مشرق‌الاذکارهای ملّی نشانه رضایت‌بخش دیگری از نفوذ و رسوخ امر الهی در تار و پود اجتماعات بشری است.

گام مهمّ دیگری نیز امکان‌پذیر است. مشرق‌الاذکار که حضرت عبدالبهاء آن را یکی از "اعظم تأسیسات عالم انسانی" توصیف فرموده‌اند دو جنبه اساسی و تفکیک‌ناپذیر حیات بهائی یعنی عبادت و خدمت را به هم می‌پیوندند. پیوند خدمت و عبادت در انسجام موجود بین فعالیت‌های جامعه‌سازی نقشه نیز منعکس است به خصوص بین شکوفایی روح نیایش که در جلسات دعا متجلی است و فرایند آموزشی که توان‌مندی برای خدمت به نوع بشر ایجاد می‌نماید. ارتباط بین عبادت و خدمت مخصوصاً در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی در سراسر جهان آشکار است که جوامع بهائی از نظر تعداد عضو به نحو قابل ملاحظه‌ای رشد کرده‌اند و تحرک و اشتغال به فعالیت‌های اجتماعی چشم‌گیر می‌باشد. بعضی از این محدوده‌ها به عنوان جایگاه‌های نشر یادگیری تعیین شده‌اند تا توانایی دوستان را برای پیشبرد برنامه نوجوانان در مناطق مربوطه پرورش دهند. همان‌طور که اخیراً اشاره کرده‌ایم توان‌مندی برای تداوم بخشیدن به برنامه نوجوانان موجب توسعه حلقه‌های مطالعه و کلاس‌های کودکان نیز می‌گردد. بدین ترتیب جایگاه یادگیری علاوه بر هدف اولیّه‌اش تمامی طرح ترویج و تحکیم را تقویت می‌نماید. در این قبیل محدوده‌های جغرافیایی است که می‌توان طیّ سال‌های آینده تأسیس یک مشرق‌الاذکار محلی را مورد تأمل قرار داد. با قلوبی مملوّ از سپاس به آستان جمال قدم و در نهایت سرور به اطلاع شما عزیزان می‌رسانیم که مشورت با محافل روحانی ملّی مربوطه در باره بنای اولین مشرق‌الاذکار محلی در هر یک از محدوده‌های جغرافیایی زیر در شرف آغاز است: باتامبانگ (Battambang) در کامبوج (Cambodia)، بیهار شریف (Bihar Sharif) در هندوستان (India)، ماتوندا سوی (Matunda Soy) در کنیا (Kenya)، نورت دل کائوکا (Norte del Cauca) در کلمبیا (Colombia)، و تانا (Tanna) در وانواتو (Vanuatu).

به منظور کمک به تأسیس این دو مشرق‌الاذکار ملی و پنج مشرق‌الاذکار محلی، صندوقی به نام صندوق مشرق‌الاذکار برای همه این گونه پروژه‌ها در مرکز جهانی تأسیس نموده‌ایم. از احبای عزیز در سراسر عالم دعوت می‌کنیم که با فداکاری و بر حسب توانایی خود در تقدیم تبرّعات به این صندوق مشارکت نمایند.

هم‌کاران عزیز و محبوب: کلنگی که یک‌صد سال پیش به ید مبارک حضرت عبدالبهاء بر زمین زده شد حال باید در هفت کشور دیگر بر زمین زده شود. این اقدام نویددهنده‌ی روزی است که به پیروی از دستور حضرت بهاء‌الله، در هر شهر و دهکده بنایی برای نیایش و عبادت پروردگار ساخته خواهد شد، از این مطالع ذکر الهی پرتو انوارش ساطع و طنین حمد و ثنایش مرتفع خواهد گشت.

[امضا: بیت العدل اعظم]